گفت‌وگوی دینی و واقعیت‌های نوین



دکتر محمد مسجدجامعی
عضو هیئت‌علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

مدت‌هاست که از ایده‌های ابتکاری «ویلی برانت» و «کاردینال کازارولی» می‌گذرد. این دو هریک به دلایل خاص خود، خواهان مذاکره با کشورهای پشت‌پرده آهنین بودند و می‌گفتند می‌باید تابوی «ضدیت با هر نوع ارتباط» شکسته شود. ویلی برانت، صدراعظم اسبق آلمان غربی، خواهان دیالوگ سیاسی بود و کازارولی، معاون وزیرخارجه و سپس وزیرخارجه و درنهایت نخست‌وزیر واتیکان، خواهان دیالوگی دینی و کلیسایی موفقیت نسبی این اندیشه در آن زمان، زمینه را برای گفت‌وگوهای بیشتر آماده ساخت و از آن به بعد گفت‌وگوی دینی در معنای کنونی‌اش، طرفدارانی یافت و به پیش رفت. یکی از دلایل مهم این پیشرفت، نظر مثبت و موافق رهبران دینی بود. سقوط بلوک شرقی و تنش در کلیسای بزرگ کاتولیک وارتدکس و مسائل دیگر، منجر به تسریع و تعمیق این گفت‌وگوها شد که کماکان ادامه دارد. کسانی هستند که چندان موافق این جریان نیستند و برخی از آنان، شاید از آن انتقاد می‌کنند و آن را بی‌نتیجه می‌دانند. بی‌شک هواداران این ابتکار می‌پذیرند که مشکلاتی وجود دارد و این ابتکار می‌تواند به مراتب موفق‌تر باشد، اما در برآوردی بی‌طرفانه باید گفت اگر چنین جریانی وجود نمی‌داشت، به احتمال فراوان در شرایط بدتر و بلکه خطرناک‌تری قرار داشتیم.

حال اینکه برای موفقیت بیشتر چه می‌توان کرد و کدامین آمادگی‌ها می‌باید ایجاد شود، مسئله دیگری است. اگر سوابق دهه‌های اخیر گفت‌وگوی دینی به‌گونه‌ای علمی و بی‌طرفانه و همدلانه بررسی و نقد شود، بسیاری از ابهامات و دلایل بسیاری از شکست‌ها روشن خواهد شد.



امام موسی صدر در کنار دو عالم یهودی و مسیحی

با توجه به نکات یادشده درباره اهمیت و ضرورت گفت‌وگوی دینی در همین سطحی که وجود دارد، سخنی نیست. در اینجا نگارنده مایل است براساس مطالعات و تجربیات خود به زمینه دیگری که اهمیت و فوریت به مراتب بیشتری دارد، بپردازد. واقعیت این است که ما با جهان کاملا جدیدی روبه‌رو هستیم. این عمدتا به‌دلیل پیشرفت‌های شگرف در کلیساهای مختلف و متنوع جهان مسیحی است. واقعیت این است که ما با جهان کاملا جدیدی روبه‌رو هستیم. این عمدتا به‌دلیل پیشرفت‌های شگرف در زمینه فناوری نانو و توان تصرف انسان در ابعاد مولکولی و بلکه اتمی است و نیز فناوری‌های جدید در زمینه الکترونیک و صنایع کامپیوتری و دیجیتال و هوش مصنوعی و فناوری کوانتوم و همچنین توان انسان در به خدمت گرفتن فضا و اعماق اقیانوس‌ها. مجموعه یادشده به‌شدت محیط زیست و گیاهان و حیوانات و انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آزادی انسان را به‌دلیل نظارت دائمی دولت‌ها بر شهروندانشان تهدید می‌کند و اصولا شرایطی پدید می‌آورد که چندان شناخته نیست. مشکلاتی که فناوری‌های نوین به‌وجود می‌آورد، متفاوت است با مشکلات زیست‌محیطی آن‌گونه که تاکنون وجود داشته است.

بیشتر مشکلات جدید از نوعی دیگر هستند. ادامه حیات بر روی کره زمین به‌دلیل چرخه‌های مختلفی است که وجود دارد. این چرخه‌ها آلودگی‌ها را پالایش می‌کند و عناصر مختلف را به جایگاه اولیه بازمی‌گرداند. اما اگر قرار باشد با دست‌کاری ژنتیکی، تحولاتی در گیاه و یا حیوان یا میکروارگانیسم‌ها و ویروس‌ها و احیانا انسان صورت پذیرد، معلوم نیست این چرخه بتواند به فعالیت خود ادامه دهد یا حداقل با ظرفیت مطلوب چنین کند؛ زیرا فرآورده‌های جدید را نمی‌شناسد و نمی‌تواند آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و کنش و واکنش‌های لازم را به‌وجود آورد؛ البته مشکل به مراتب فراتر است. وقتی طبیعت محصول جدید دست‌کاری‌شده را نمی‌شناسد، مسائل فراوان و غیرمنتظره‌ای می‌تواند رخ دهد و ممکن است طبیعت را از ریلی که میلیون‌ها سال است بر روی آن حرکت می‌کند، منحرف سازد و ریل را از میان بردارد. موضوع در آنجاکه به هوش مصنوعی در فناوری‌های کنترل‌کننده و با تفناوری کوانتوم بازمی‌گردد، به مراتب غیرقابل محاسبه‌تر است.

مشکل بزرگ این است که فاصله فراوانی بین نوع تحولات و نظام‌های حقوقی کنونی وجود دارد، لذا فناوری جدید بدون هیچ نوع نظارتی به پیش می‌رود و این خطر، بزرگ و همگانی است.

در این میان، ادیان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. به‌هرحال آن‌ها ملاک‌های خاص خود را درمورد مشروعیت داشتن یا نداشتن پدیده‌های جدید دارا هستند. این مسئله برای دو دین اسلام و یهودیت که واجد شریعت و قوانین مختلف هستند، دست‌یافتنی است. حتی برای دینی چون مسیحیت هم که به ارزش‌های برین به‌خصوص درمورد مخلوقات خداوند و خود انسان معتقد است، مسئله‌ای قابل بحث و بررسی است. احتمالا بر همین اساس بود که برخی شخصیت‌های مسیحی، تخریب محیط زیست را به مثابه گناهی نابخشودنی تلقی و تعریف کردند؛ البته ادیان در صورتی می‌توانند نظرهای خود را ارائه دهند که در ابتدا مسئله و پیامدهایش را به دقت شناخته باشند و این محتاج گفت‌وگوی جدی با متخصصان است. برای آنکه این مهم با دقت بیشتری انجام شود، به مراتب بهتر است که آنان برای فهم و یافتن راه‌حل با هم گفت‌وگو و همکاری کنند و تجربیات خود را در اختیار یکدیگر قرار دهند. تا آنجاکه به ما مربوط می‌شود، بی‌تردید ایران می‌تواند یک شریک خوب باشد و این به دلیل گستردگی نظام فقهی تشیع و استحکام و دقت مباحث اصولی آن است. «اصول فقه» که بهتر است «منطق فقه» نامیده شود، می‌تواند در این موارد بسیار راهگشا و تعیین‌کننده باشد. نگارنده بسیار امیدوار است که گفت‌وگو در این چارچوب بین عالمان دینی ما و متخصصان فناوری‌های جدید و هم‌وطنان مسیحی و یهودی و زرتشتی برگزار شود.

شهرآرا
شنبه
۱۶ دی ۱۴۰۲
۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵
شماره ۴۱۲۶
SHAHRARANEWS.IR

نگاهی به اندیشه‌های قرآنی و اخلاقی رهبر فقید انقلاب اسلامی در آیینه آثارشان

امام(ره) قرآن را به متن جامعه آورد

امید حسینی‌نژاد

«درمیان رهبران سیاسی جهان تا به امروز، کمتر شخصیتی به جامعیت امام خمینی(ره) بروز نموده است. شخصیت استثنایی و اسطوره‌ای که توانست از یک جمع پریشان و پراکنده، یک امت متحد بسازد و بزرگ‌ترین انقلاب قرن را برپا کند و باز به‌دلیل همین جامعیتش بود که میلیون‌ها نفر، به استقبالش رفتند، صدها هزار نفر جان و مالشان را فدای راهش نمودند و میلیون‌ها نفر در تشییع جنازه‌اش، او را بدرقه کردند».

رهبر معظم انقلاب به حق معتقدند که حضرت امام خمینی (ره) همه خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه آن در قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، با هم داشت و با این ویژگی‌ها بود که توانست تخت فرعون‌های زمانه را بلرزاند و دل مستضعفان را به نور امید روشن سازد و جهان اسلام را به حرکت درآورد و به انسان‌ها بفهماند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن، افسانه نیست. شخصیت امام دارای ابعاد گوناگون بود و در هر دوره به‌تناسب شرایط، بعدی از ابعاد وجود او نمایان می‌شد. رهبر معظم انقلاب عظمت کار امام را به ارتباط ایشان با خدا و تهذیب نفس می‌داند که همه دشمنان داخلی و خارجی ایشان نیز این ویژگی را قبول داشتند.

معظم‌له در یکی از سخنرانی‌هایشان می‌فرمودند که در حوادث وحشتناک که همه مسئولان به بن‌بست می‌رسیدند، به امام پناه می‌بردند و آن حضرت با دم مسیحایی خود به همه آن‌ها آرامش می‌بخشید. او مانند کوهی مقاوم و استوار بود که هیچ چیز متزلزلش نمی‌ساخت، بلکه هرگونه ترس و اضطراب را از دل همراهان و نزدیکان دور می‌کرد. ایشان توفیقات امام را مرهون ارتباطشان با معصومان(ع) می‌دانند و معتقدند: «اگر آن حضرت با مناجات و دعا و توسل سروکار نداشت و اهل استغاثه و مناجات نبود، خدای متعال این همه توفیق را نصیب ایشان نمی‌کرد، به‌گونه‌ای که هر ماه رمضانی که بر امام می‌گذشت، انسان می‌دید که آن بزرگوار نورانی‌تر شده است». درگفت‌وگو با دو اندیشمند و قرآن‌پژوه، جایگاه قرآن در اندیشه امام راحل(ره) را بررسی کرده‌ایم.

امام(ره) به آثار اخلاقی‌اش بیش از دیگر آثارش تعلق خاطر داشت



رضا مختاری: حضرت امام به آثار اخلاقی‌اش بیش از دیگر آثارش تعلق خاطر داشت و نشر آن‌ها را لازم‌تر می‌دانست

پیشوای بزرگ و نام‌آور دوران معاصر، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی(ره)، علاوه‌بر فقه و اصول و دیگر علوم رایج حوزه‌ها، در دانش اخلاق و تزکیه و تهذیب نفوس نیز ید طولایی داشت و بخش زیادی از عمر شریف خود را صرف تدریس اخلاق و تربیت و تزکیه فضلا و طلاب و نیز تحقیق در مسائل اخلاق و نگارش کتاب‌های سودمند اخلاقی کرد، به‌طوری‌که در این زمینه استادی ماهر و صاحب‌نظری مسلم و شخصیتی ممتاز و تأثیرگذار شناخته شد و دروس اخلاق و جلسات تهذیب او تأثیر بسیاری بر مستمعان، به‌خصوص طلاب و فضلا، می‌گذاشت.

امام خمینی، تدریس اخلاق در حوزه قم را از دوره سیاه رضاخان شروع کرد و تا مدتی پس از آن ادامه داد. جلسات اخلاق امام که در مدرسه فیضیه برگزار می‌شد، شیفتگان زیادی داشت و مشتاقان فراوانی را از زلال معارف اخلاقی وحی سیراب می‌کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی در کتاب «تاریخ انقلاب» در این باره می‌نویسد: «در آغاز، این جلسه محدود بود و فقط عده‌ای افراد مورد اعتماد ایشان می‌توانستند در آن شرکت کنند. به‌تدریج دامنه این درس توسعه یافت و هفته‌ای یک روز در سطح حوزه تشکیل می‌شد و علاوه‌بر روحانیان، ده‌ها نفر از اقشار دیگر در آن شرکت می‌جستند. استقبال زیاد از این مجلس، امام را بر آن داشت تا جلسه را در هر هفته‌ای دو روز (پنجشنبه و جمعه) برقرار کند. در این حال، عمال رضاخان به کارشکنی پرداختند و درصدد برهم زدن آن برآمدند، به‌طوری‌که سرانجام امام خمینی ناچار شد این جلسه را از مدرسه فیضیه به مدرسه حاج ملاصادق، منتقل و به شکل محدودتری برگزار کند تاآنکه دوران سیاه رضاخان به سر آمد و درس اخلاق امام، در فیضیه، با شکوه تمام مجددا برگزار شد و در آنجا سالیان درازی (حدود هشت سال) ادامه یافت....».

امام خمینی(ره) خود به مناسبتی در این باره نوشته‌اند: «علت اصلی توسعه این مجلس [مجلس درس اخلاق]، جلوگیری شدید پلیس رضاشاه بود از مطلق مجالس تعزیه و موعظه و امثال آن. از این جهت، مردم علاقه‌مند بودند و این جانب نیز درس خصوصی... را به نحو عموم و عوام‌فهم توسعه دادم».

ایشان در زمان پیروزی انقلاب با توجه به مرجعیتی که داشت، می‌توانست کتاب‌های علمی خود را از محل بیت‌المال، سهم امام یا با پول مریدان خاصی که داشت، چاپ کند، اما تمام آثار علمی ایشان تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، چاپ نشد و اقدامی برای چاپ آن‌ها نمی‌کرد و نمی‌خواست آثارش را به رخ دیگران بکشد و هزینه بیت‌المال را صرف چاپ کتاب‌های خود کند.

حضرت امام به آثار اخلاقی‌اش بیش از دیگر آثارش تعلق خاطر داشت و نشر آن‌ها را لازم‌تر می‌دانست. دلیل این نکته، بند ششم وصیت‌نامه ایشان است که در ۱۵ دی ۱۳۵۶ برابر با ۲۵ محرم ۱۳۹۸ در نجف اشرف نوشته است: «کتب خطی این جانب را در صورت امکان، طبع کنند و اگر کسی خواست طبع کند، در اختیار او بگذارند، به‌طوری‌که ضایع نشود؛ خصوصا کتب اخلاقی را».

کتاب «اربعین حدیث» در چهارم محرم سال ۱۳۵۸ قمری، تألیف شده است و کتاب‌های اخلاقی دیگر نیز همه تاریخ تألیف دارند. شاید چون «شرح دعای سحر» و «مصباح‌الهدایه» بسیار عرفانی است، امام نمی‌خواست با بُعد عرفانی معرفی شود اما «اربعین حدیث»، «عقل و جهل» و کتاب‌های اصولی و فقهی مشکل نداشته‌اند. اکنون ما طلبه‌ها ابایی نداریم که از وجوه بیت‌المال برای نشر کتاب‌های خود استفاده کنیم، درحالی‌که امام(ره) از این کار پرهیز می‌کرد و شاید علت اینکه آثار علمی ما تأثیر چندانی بر مخاطب نمی‌گذارد، همین موضوع باشد.



امام(ره) مفاهیم عمیق قرآن را با زبانی گویا تبیین می‌کرد

دست یافتن به ژرفای هر اندیشه‌ای آن‌گاه ممکن است که ما نقشه‌ای کامل از آن اندیشه داشته باشیم. باید ببینیم شخص در ابعاد گوناگون یک موضوع، چگونه می‌اندیشیده و چه رفتار و منشی از خود نشان می‌داده است؛ به‌طور مثال اگر بخواهیم نگرش امام به قرآن را بررسی کنیم، لازم است چیستی، اهداف، طرح بازگشت به قرآن، قلمرو و آفاق‌گستری و توجه به آداب رسیدن به کتاب خدا از دیدگاه امام خمینی را بررسی کنیم و ببینیم ایشان چه موضعی دارد و در این باره چه گفته و چه جایگاهی برای آن قائل بوده است. در وصیت‌نامه حضرت امام، مطالبی هرچند کوتاه درباره جایگاه قرآن کریم آمده است، درحالی‌که داوری درباره اندیشه امام، نیازمند بررسی همه آثار و گفته‌های ایشان است. حال اگر کسی به نوشته‌ها و گفته‌های امام، نگاهی هرچند سطحی بیفکند، به‌خوبی درمی‌یابد که او از مجذوبان و شیفتگان قرآن مجید است؛ آن‌چنان که در تاریخ زندگی‌اش آمده است سالیان دراز، صبح و شام معتکف آستان این رشحه الهی بوده و با تلاوت قرآن، انس دائم داشته و دیگران را تشویق به خواندن و تدبر در آیات آن می‌کرده است. از اهمیت و عظمت قرآن سخن می‌گفته و تأثیر حضور آن در جامعه را بازگو می‌کرده است. از مهجور بودن قرآن رنج می‌برده و معتقد بوده است؛ چون قرآن در نظرگروهی، منحصر به گفته‌های مفسران شده است و راه استفاده از آن را مسدود کرده‌اند یا تفکر و تدبر در آیات شریفه را تفسیر به رأی دانسته‌اند، مهجور مانده است.

تفکری از صد سال پیش درمیان مصلحان دینی به‌وجود آمد. آن‌ها معتقد بودند ما باید به قرآن بازگشت کنیم. منظورشان از بازگشت، آوردن قرآن به صحنه زندگی و جامعه است؛ البته نه به این معناکه در دوره‌های گذشته، قرآن خوانده نمی‌شد یا در خانه‌ها نبود یا مردم به آن احترام نمی‌کردند و...، بلکه با وجودی که مردم به یادگیری کتاب خدا اهتمام داشتند و سعی می‌کردند آن را حفظ کنند، قرآن در صحنه زندگی اجتماعی‌شان، حضور کم‌رنگی داشت. حضرت امام خمینی(ره) نیز جزو مصلحان دوره معاصر بود که موضوع بازگشت به قرآن را مطرح کرد.



سید محمدعلی ایازی: امام(ره) برای اینکه ایده بازگشت به قرآن را عملی سازد، راهکارهایی داشت: نخست، باید قرآن را به‌خوبی شناخت و بعد، آن را در صحنه زندگی آورد

بازگشت به قرآن، به این معناست که نخست قرآن باید شناخته و درست تبیین بشود و دوم اینکه به آن فهم، درست عمل بشود.

حضرت امام(ره) بحث مفصلی در باب جایگاه قرآن و عظمت آن در کتاب «آداب‌الصلاه» آورده است. من در تفسیر قرآن مجید، برگرفته از آثار امام خمینی، در فصلی به نام «جایگاه قرآن در نگاه امام»، این موضوع را تبیین کرده‌ام.

یکی از کارهایی که امام در حوزه قرآنی و عرفانی انجام داده و قرآن و عرفان را به متن جامعه آورده است و به نظرم کارشان بسیار شایان توجه است، «ساده‌سازی معارف الهی» است. امام، عارف، فقیه و فیلسوفی بود که مفاهیم ناب و عمیق را با زبانی ساده به قلب مخاطبانش منتقل می‌کرد.

امام(ره) برای اینکه ایده بازگشت به قرآن را عملی سازد، راهکارهایی داشت: نخست، باید قرآن را به‌خوبی شناخت و بعد، آن را در صحنه زندگی آورد. بعد از پیروزی انقلاب، مرحوم آیت‌ا...طالقانی آموزش درس‌هایی را با موضوع «قرآن در صحنه» شروع کرد. وقتی آیت‌ا...طالقانی فوت کرد، امام درس تفسیر سوره حمد را در تلویزیون آغاز کرد. مراد از به صحنه آوردن قرآن در زندگی، این است که مردم و مسئولان ما قرآنی بشوند و قرآنی عمل کنند. قرآن در سوره ممتحنه، آیه ۸ می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ ا... عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ ا... يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت درباره کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ زیرا خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد». یعنی نه‌تنها با کسانی که با شما نجنگیدند، پیکار نکنید، بلکه به آن‌ها نیکی هم بکنید و با آن‌ها به عدالت رفتار کنید. جامعه وقتی قرآنی می‌شود که در ابتدا مبلغان قرآن، خود عمل‌کننده به آیات قرآن باشند و با دیگران رفتار قرآنی داشته باشند و با مخالفان خود به عدالت رفتار کنند. اگر بخواهیم جامعه ما از نظر فرهنگی، سیاسی، بین‌المللی و... قرآنی باشد، باید به خود قرآن برگردیم و به آیات آن عمل کنیم. جامعه‌ای که قرآنی باشد، به خرافات و غلوها دامن نمی‌زند. در جامعه قرآنی، عالمان و فرهیختگان منزوی نیستند و مجیزگویان بر صدر نمی‌نشینند.

کهن‌ترین قرآن وقفی آستان قدس رضوی



گنجینه ارزشمند آستان قدس رضوی مملو از نسخه‌های خطی کهن است که در دوره‌های مختلف، وقف آستان قدس رضوی شده است.

بخش مهمی از این نسخه‌ها مربوط به قرآن‌های ارزشمندی است که برخی از آن‌ها قدمت بسیاری دارد. یکی از نفایس مهم گنجینه نسخ خطی آستان قدس، جزوه‌ای قرآنی است که والی اصفهان، کشواد بن املاس، از ارادتمندان اهل بیت(ع)، در سال ۳۲۷ هجری قمری وقف این کتابخانه کرده است و این نسخه نفیس، قدیمی‌ترین اثر مکتوب وقف‌شده این گنجینه است.

کشواد بن املاس یک دوره جزوه قرآنی را وقف بقعه منوره رضویه کرده است که سه جزوه آن در مرکز نسخ خطی گنجینه رضوی موجود است و وقف‌نامه‌اش به خط زیبای این هنرمند خوشنویس است.

این نسخه از قرآن کریم که به شماره ۳۰۱۳ در این کتابخانه نگهداری می‌شود، نسخه ارزشمندی است که از نظر کتابت و آرایه‌های هنری بی‌همتاست و از عمر آن تاکنون، ۱۱۱۴ سال گذشته است.

آیات این قرآن نفیس به صورت ده‌ده (عشر) و به صورت ابجد و با حروف کوفی ازهم جدا شده است؛ یعنی در پایان آیه ۱۰، حرف «ی» قرار گرفته که به معنی عدد ۱۰ است و اعراب‌گذاری قرآن نیز به صورت نقطه‌گذاری در رو، زیر و انتهای کلمه است.

بر این اساس، قدمت کتابخانه عظیم رضوی بیش از ۱۱۰۰ سال است.

کتاب شناخت

مقام زن در قرآن و عهد جدید



هدف دین، خلق ساختارهایی برای بروز استعدادهای نهانی بشر و گسترش فضایلی مانند عشق و عدالت و صلح است. در دین، برخی صفات و مشخصه‌ها به هر دو جنس مذکر و مؤنث نسبت داده شده است و توانایی‌های هر دو جنس در برخی زمینه‌ها با هم پوشانی دارد.

مطالعه و بررسی اجمالی درباره موضوع زن در هریک از کتب مقدس، روشن می‌کند که اگرچه در پاره‌ای زمینه‌ها، این کتاب‌ها نتوانسته‌اند در تصویر و تبیین حقوق زنان به‌طور کامل سنن اجتماعی را نادیده بگیرند و حتی در برخی زمینه‌ها نیز درک و احساس ناصواب عامیانه را در احکام عملی مؤمنان لحاظ کرده‌اند، اصلاحات درخورتوجهی در زمینه حقوق زنان اعمال کرده‌اند و مردان را ملزم به رعایت اصول و قوانینی کرده‌اند که اجرای آن‌ها می‌توانست پیامدهای ناگوار روابط نابرابرانه زن و مرد را در خانواده و اجتماع به نحو چشمگیری کاهش دهد.

از طرفی سهم مهمی از الگوها و آموزه‌های دینی در ارتباط با زنان، نه از آیات کتاب مقدس، بلکه از تفاسیر و سخنان بزرگان و مفسران دینی، سرچشمه گرفته است.

مقام زن در مسیحیت، نخست وابسته به این است که شخصی برای مطالعه این موضوع، کدام یک از متون انجیل را برگزیند و سپس برداشت‌های شخصی از متون مقدس و میزان اعتباری که به آن‌ها می‌دهد، نیز در تعیین مقام زن باید لحاظ شود. ازطرفی هنگام تفسیر کتاب مقدس، باید به شرایط فرهنگی و تاریخی جامعه نیز توجه کرد.

عهد جدید ۲۷ قطعه دارد که شامل چهار انجیل (متی، مرقس، لوقا و یوحنا)، اعمال (اعمال رسولان)، ۲۱ رساله و کتاب مکاشفه است. عهد جدید بین سال ۵۰ تا ۱۲۰ میلادی تصنیف شده است.

مسئله اصلی این کتاب، بررسی نقش و جایگاه زنان در عهد جدید با روش توصیفی‌تحلیلی است و مهم‌ترین محورهای آن شامل تفسیر روایات مرتبط با زنان در عهد جدید، بررسی نگرش و عملکرد حضرت عیسی(ع) و حواریون در مواجهه با آنان، نقش و جایگاه زنان در گسترش مسیحیت اولیه و بررسی شخصیت زنان تأثیرگذار در عهد جدید است.